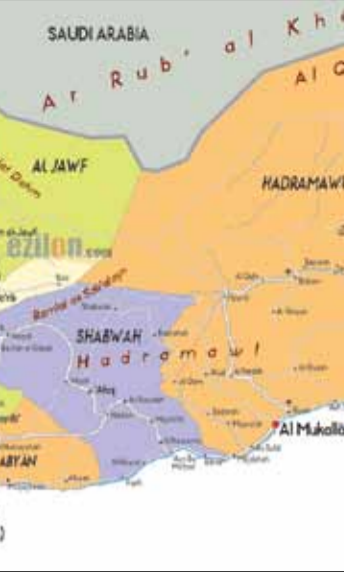


پیش از این اوضاع یمن در طول جنگ داخلی بررسی شد و کار در یمن بدانجا رسید که با عقب‌نشینی نیروهای البدر از محاصره پایتخت و به رسمیت شناختن جمهوری توسط ریاض، جنگ مختومه شد. در جنوب نیز جنگ داخلی میان عبدالفتاح اسماعیل و علی ناصر احمد به سود طرفداران عبدالفتاح و حزب سوسیال یمن به پایان رسید و علی ناصر احمد به شمال رفت و البیث با همی جدی برای ادغام ۲ یمن قدرت را در دست گرفت. نیروهای درگیر در جریان جنگ داخلی یمن شمالی ۸ سال در جنگی خانگی و خونین که منافع ابرقدرت‌ها و بالطبع قدرت‌های منطقه به آن دامن می‌زد شرکت داشتند و در این بین فیصل و جمال عبدالناصر که هر یک داعیه رهبری جهان عرب را-که پس از فروپاشی عثمانی از هم پاشیده بود- داشتند، نقش اساسی ایفا کردند. در واقع به طور قطع می‌توان گفت اگر دخالت‌های نیروهای خارجی که درگیر جنگ سرد بودند و همچنین نیروی نظامی مصر و پشتیبانی‌های تسلیحاتی و مالی ریاض نبود جنگ مدت‌ها قبل خاتمه یافته بود. در جبهه شمال، محمد البدر با کمک دیگر شاهزادگان خاندان حمیدالدین که از قبایل سرشناس یمن محسوب می‌شدند رهبری سلطنت‌طلبان را برعهده داشت. در میان آنها نیز شاهزادگان شاخصی همچون عبدالرحمن بن یحیی و حسن بن یحیی که تا پیش از جنگ مقیم نیویورک بود حضور داشتند.امیرحسن یحیی در ۵۶ سالگی مسن‌ترین و بازرترین شاهزاده حمیدی بود که به‌عنوان نخست‌وزیر و فرمانده نیروهای نظامی از سوی محمد البدر انتخاب شده بود. امام البدر دوست دوران کودکی خود «بروس کوند» که افسری آمریکایی بود را نیز از آمریکا به یمن فراخواند و او را به مقام ژنرالی در ارتش سلطنتی ارتقای درجه داد. بروس کوند که در ژاپن، آفریقا و خدمت کرد، از ارتش آمریکا خارج شده بود و پیش از آن در لبنان زندگی می‌کرد و در جریان دعوت امام زیدی، پس از چندی در یمن به اسلام گروید و گذرنامه یمنی گرفت. سال ۱۹۶۲ عربستان سعودی ۱۵ میلیون دلار برای ایجاد ایستگاه رادیوی مستقل برای سلطنت‌طلبان، تجهیز قبایل یمنی و استعمار صدها نیروی مزدور اروپایی به‌عنوان مستشار و نیروی جنگی هزینه کرد. سران پاکستان نیز از آب گل آلود ماهی گرفتند و به سلطنت‌طلبان اسلحه فروختند. همچنین شواهد بسیاری مبنی بر حضور فیزیکی نیروهای گارد ملی عربستان در کنار نیروهای البدر وجود دارد. شاه ایران نیز با توجه به سیاست‌های بلوک غرب برای سلطنت‌طلبان در وهله‌های مختلف کمک‌های مالی ارسال و اعتبارات لازم را برای آنها فراهم می‌کرد. محموله‌های اسلحه انگلیسی نیز از طریق فرماندار نظامی بریتانیا در عدن برای محمد البدر فرستاده می‌شد و انگلیسی‌ها فعالیت‌های متعددی برای تجدیدقوای نیروهای البدر انجام می‌دادند. سرویس اطلاعات خارجی انگلستان (ای‌سی) نیز به‌عنوان بازوی اطلاعاتی نیروهای سلطنت‌طلبان فعالیت می‌کرد. عمده این فعالیت‌ها از طریق شرکتی خصوصی که متعلق به کلنل «دیوید استرلینگ» بود انجام می‌شد. استرلینگ همچنین ده‌ها تن از نیروهای بارنشتسته نیروی هوایی انگلیس را به‌عنوان مستشار نظامی برای سلطنت‌طلبان به کار گرفت. لندن همچنین در طرحی ۴۰۰ میلیون دلاری برای دفاع هوایی از عربستان سعودی مشارکت کرد-از سوی دیگر جاسون نیز که در آمریکا به جای کندی

به کاخ سفید رفته بود اعتقاد بیشتری به تجهیز نظامی عربستان سعودی داشت و تجهیز عربستان در طول جنگ داخلی یمن تاثیر مستقیمی در حمایت ریاض از محمد البدر داشت.واشنگتن در سال ۱۹۵۵ توافقنامه‌ای برای مشارکت مهندسی در راستای ساخت استحکامات نظامی با ریاض منعقد کرد و سال بعد نیز قراردادی ۱۰۰ میلیون دلاری برای تجهیز نظامی ارتش سعودی با فیصل بست. از سوی دیگر نیز فیصل بن عبدالعزیز کنفرانسی بین‌المللی با دعوت از سران جهان اسلام برای مقابله با سوسیالیسم ناصری بر پا کرد تا از انگیزه‌های مذهبی در دیگر کشورهای اسلامی برای محدود کردن ناصر استفاده کند. عربستان همچنین بویژه در سال اول جنگ شهرها و پایگاه‌های نظامی جنوب کشور را در اختیار سلطنت‌طلبان گذاشت. قبایل جنوب عربستان و شمال یمن بنا به اقتضای طبیعت و جغرافیای منطقه روابط دوستانه و بعضا تنگاتنگی با یکدیگر داشتند و همین امر نقش بسزایی در معادلات با سلطنت‌طلبان یمنی داشت. عربستان همچنین هزاران نفر از کارگران یمنی را برای کار در عربستان فراخواند. علاوه بر عربستان و انگلستان که حمایت‌های مستقیم غیرمستقیم خود را از محمد البدر دریغ نمی‌کردند؛ اردن نیز به کمک البدر شتافت و دولت عراق نیز تجهیزاتی را برای حزب بعث یمن ارسال می‌کرد تا دولت سلال را از درون به چالش بکشد. علاوه بر همه اینها سلطنت‌طلبان یمنی علاقه خاصی به البدر داشتند و او بر خلاف پدرش از موقعیت اجتماعی و مقبولیت قابل قبولی در میان قبایل یمنی برخوردار بود.اگرچه قبایل شمالی عمدتا شیعیان زیدی بودند و ساکنان سواحل و شرق یمن عموماً از اهل سنت اما جنگ یمن هیچگاه جنگی مذهبی قلمداد نمی‌شد.



مروری بر گذشته و حال جنوبی‌ترین کشور شبه‌جزیره عرب –۱۰

اسرائیل، آتش بیار معرکه یمن

■ محمدمصدق حاج‌صمدی ■

البدر به‌عنوان امام و رهبر قبایل شمالی بود و سلال نیز که خود از شیعیان محسوب می‌شد، فرماندهی اهل سنت سواحل یمن را بر عهده داشت و با کشف تنگاتنگی با مصریان که آنها نیز از اهل سنت بودند برقرار کرده بود. با این حال البدر خود را بزرگ‌ترین هدف ناصر می‌دانست و یک بار نیز گفته بود: «من هزینه رفاقت خود بسا ناصر را می‌دهم، اگرچه ما رابطه خوبی با هم داشتیم اما وقتی من خدمت به او را رد کردم، او سلال را علیه من شوراند اما من از مبارزه عقب نمی‌نشستم و قیوم همینجا در یمن خواهد بود». محمد البدر نیروهای خود را در قالب ۲ ارتش سازماندهی کرده بود. ارتش اول به فرماندهی عموی وی شاهزاده حسن بن یحیی در شرق و ارتش دیگر به فرماندهی خود او در غرب. به‌واسطه این دو ارتش نیروی سلطنت‌طلبان عمده مناطق شمال و شرق یمن (یمن شمالی) ازجمله شهرهای معرب و هریب را در دست داشتند. با این حال مرکز استان شمالی یمن (صعده) که امتیازی استراتژیک برای رسیدن به صنعا به‌عنوان پایتخت داشت، در دست جمهوری خواهان بود. نزدیکی نیروهای ۲ طرف در دیگر قسمت‌های کشور نیز محسوس بود. به‌عنوان مثال نیروهای البدر در بلندی‌های مشرف بر حجه مستقر بودند و هم‌زمان شهر و استحکامات آن در دست نیروهای مصری و ارتش جمهوری قرار داشت. مزدوران اروپایی که از کشورهای نظیر فرانسه، بلژیک و انگلستان آمده بودند و در الجزایر، وودزیا و… جنگیده بودند نیز برای کمک به محمد البدر و ساماندهی نیروی نامنظم قبایل به یمن فرستاده شدند. آنها همچنین نحوه استفاده از موشک‌اندازهای ضدتانک و دیگر ادوات جنگی مدرن زمان را به سلطنت‌طلبان آموزش می‌دادند. از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ انگلستان

کند وی به همین منظور به ایران سفر کرد تا از شاه ایران در این زمینه کمک بگیرد. لکن تلاش برای خرید هواپیما به دست «تیل مک‌لین»، افسر اطلاعات انگلستان به ثمر نشست. وی به همین منظور به تل آویو سفر کرد و با «موشه دایان» وزیر جنگ و «ماعیر آمیت»، رئیس وقت موساد ملاقات کرد. بنا بر گزارش‌های هاآرتص، تیم مزدوران انگلیسی در تل آویو با رئیس بخش غرب آنسیای موساد و «عز وایزمن» فرمانده نیروی هوایی اسرائیل نیز دیدار کردند و مذاکرات برای خرید هواپیما به موافقت اسرائیل به پایان رسید.

هواپیمایی که طی مذاکرات انجام‌شده به نیروی غیردولتی انگلیسی در یمن واگذار شد محموله‌ای از تسلیحات را نیز با خود به یمن برد. با این حال توافق شده بود محموله جنگی اثری از اسرائیل در خود نداشته باشد و ارسال آن از سوی تل آویو پنهان نگاه داشته شود چرا که هم‌زمان در جهان عرب خصومت با رژیم صهیونیستی غالب بود. پس از آن نیز نیروی هوایی اسرائیل محموله‌های دیگری از سلاح را برای سلطنت‌طلبان یمنی فرستاد بدون اینکه مشخص باشد این محموله‌ها از اسرائیل دریافت می‌شود. «تونی بویل» یکی از افسران انگلیسی در یمن پیشنهاد کرده بود اسرائیل صنعا را نیز بمباران کند که البته این درخواست از سوی تل آویو رد شده بود. در زمان جنگ داخلی حداقل یک افسر امنیتی اسرائیلی در یمن حضور داشت که در سال ۱۹۷۲ دستگیر و در مصر زندانی شد.او که «باروخ میرزاهی» نام داشت سال بعد در جریان تبادل اسرا پس از جنگ اکتبر اعراب و اسرائیل با اسرای مصری معاوضه شد.

حمایت انگلیس از سلطنت‌طلبان اما همچنان به صورت پنهان ادامه یافت و سسران انگلیس مداوما هر گونه دخالت و فعالیتی را در یمن تکذیب می‌کردند.نخست‌وزیر وقت «الک داکلاس هوم» نیز در همان زمان (۱۴ مه ۱۹۶۴] در پاسخ به سوال نماینده حزب کار در پارلمان انگلیس پاسخ داده بود سیاست ما در یمن عدم مداخله است و هیچ یک از ۲ طرف متخاصم از انگلستان درخواست کمک نکرده‌اند و بریتانیا نیز در این جریان اقدامی نکرده است. با این حال دیری نپایید که حضور مزدوران انگلیسی و نیروی غیررسمی بریتانیا در یمن علنی شد. نوامبر سال ۱۹۶۳ پنج نامه‌ای که از سوی آنها ارسال شده بود در راه توسط نیروهای مصری ضبط شد و محتوای آنها در روزنامه الاهرام و شبکه یک رادیو قاهره منتشر شد. رادیو قاهره مه مه ۱۹۶۴ تعداد افسران انگلیسی و فرانسوی در یمن شمالی را بیش از ۳۰۰ نفر تخمین زد و عنوان کرد افسران انگلیسی تحت فرماندهی سازمان اطلاعات انگلیس قرار دارند. با این حال دولت لندن همچنان به رد هر گونه مداخله در یمن ادامه می‌داد. ۲۱ جولای ۱۹۶۴ نخست‌وزیر وقت در جریان سوال پارلمان هرگونه اطلاع از اقدامات تونی بویل را رد کرد. لکن پس از آن و در روز بعد داکلاس هوم نامه‌ای به وزیر خارجه انگلیس «راب باتلر» نوشت و طی آن اظهار کرد باید زندگی برای جمال عبدالناصر با پول و تسلیحات غیرقابل تحمل شود.در نتیجه کمیته اقدام مشترکی به صورت سری در وزارت خارجه تشکیل شد که مستقیماً وظیفه انجام اقدامات لازم در یمن را بر عهده داشت. بدین ترتیب حمایت‌های مادی و معنوی انگلیس از محمد البدر در یمن ادامه یافت تا سال ۱۹۶۵ که لندن تصمیم گرفت عدن را ترک کرده و به طور کامل از یمن خارج شود.



و دزدی‌های زیاد منظر خدمت شده بود به ریاست شورای عالی اداری گمارده است و در بقیه انتصابات نیز نظر نمایندگان حزب مردم را از هر جهت رعایت می‌کند که شاید بتوانند با جلب نظر آنها از کمک‌شان استفاده کنند. نظریه منبع: آنچه مسلم است با رفت و آمدهای زیاد گروه‌های آمریکایی و دیپلمات‌های آمریکایی به ایران تصمیمی درباره دولت آینده ایران اتخاذ نشده و اگر قرار باشد دولت نیز تغییر کند در بهار آینده صورت خواهد گرفت که مطالعات آمریکایی‌ها تمام شده باشد.

سند اول:

تاریخ: ۴۴/۵/۱۹

شماره: ۲۰۰۸

موضوع: دکتر احمد روستاییان

دکتر روستاییان مدیرکل سابق سپاه دانش به یکی از دوستان خود گفته است ظرف ۱۰ روزی که در رامسر بومد اغلب رجال سیاسی ایران برای گذراندن تعطیلات به رامسر آمده‌بودند. از یکی از آنها شنیدم که درباره نخست‌وزیر آینده می‌گفت با آمدن یک پیک سیاسی از کشورهای متحد آمریکا مقامات

دکتر روستاییان مدیرکل سابق سپاه دانش به یکی از دوستان خود گفته است ظرف ۱۰ روزی که در رامسر بومد اغلب رجال سیاسی ایران برای گذراندن تعطیلات به رامسر آمده‌بودند. از یکی از آنها شنیدم که درباره نخست‌وزیر آینده می‌گفت با آمدن یک پیک سیاسی از کشورهای متحد آمریکا مقامات

تقریب تاریخ

درگیری در جریان رأی اعتماد به هژیر (۱۳۲۷ ش)

پس از سقوط دولت ابراهیم حکیمی، دربار کوشش می‌کرد یکی دیگر از ایادی خود را که مورد توجه سیاست انگلیس نیز باشد به عنوان نخست‌وزیر به ملت تحمیل کند و عبدالحسین هزیره، وزیر دارایی احمد قوام برای این سمت نامزد شد. اما مخالفت آیت‌الله کاشانی به عنوان پیشوای مذهبی مردم، مانع این امر شد، چرا که ایشان با افشاگری علیه دولت‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، آنها را با شکست روبه‌رو کرده بود. در این میان، مأموران سعی داشتند با تهدید و ارباب مردم را به سکوت بکشانند. روزی که قرار بود هزیر کابینه خود را به مجلس معرفی کند، جمع کثیری از مردم در منزل آیت‌الله کاشانی اجتماع کردند و به طرف مجلس به حرکت درآمدند. این تظاهرات به صورت یک راهپیمایی از منزل کاشانی به سوی مجلس شکل گرفت. هنگامی که آنان نزدیک مجلس رسیدند ناگهان صدای گلوله‌ها بلند شد. زد و خورد مأموران با مردم آغاز شد و جمعی نیز مجروح و مقتول شدند. با این شکل، هژیر در مجلس حاضر شد و رأی اعتماد گرفت. حادثه این روز با عکس‌العمل شدید مردم مواجه شد و مبارزه علیه هژیر را توده‌های مردم به رهبری کاشانی به دست گرفتند. نخست‌وزیری هژیر و واقعه ۲۷ خرداد ۱۳۲۷ بیکار ملت مسلمان ایران را در مقابله با نظام دیکتاتوری وابسته به استعمار انگلستان از حالت دفاعی و تبلیغاتی به حالت تهاجمی متحول کرد و دولت هژیر در برابر این اعتراضات بیش از یکصد روز تاب نیاورد.

تشکیل «جهاد سازندگی» به فرمان «حضرت امام خمینی» (دهه (۱۳۵۸ ش)



جهاد سازندگی در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ با فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد و از همان آغاز کار توانست خیل عظیم نیروهای دلسوز، جوان و متخصص متعهد و مسلمان در رشته‌های گوناگون را برای احیا و نوسازی روستاها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به خود جذب کند. خدمات ارزنده جهاد سازندگی علاوه بر سازندگی و آبادانی مناطق محروم کشور در طول ۸ سال دفاع مقدس، از نقش مؤثر این نهاد انقلابی در حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران حکایت دارد. جهاد سازندگی در زمینه‌های صنایع روستایی، کشاورزی، دامداری، سدسازی، منابع طبیعی، آبچیزداری و ده‌ها مورد دیگر، فعالیت‌های گسترده‌ای در سطح ایران و برخی کشورهای آفریقایی انجام داده است. جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۲ تبدیل به یک وزارت‌تخانه شد و پس از آنکه در سال ۱۳۷۹ در وزارت کشاورزی ادغام شد، وزارت‌تخانه جهاد کشاورزی به وجود آمد.

ارتحال عارف وارسته «شیخ محمد باقر بهاری همدانی» (۱۳۳۳ ق)

شیخ محمدباقر بن محمد جعفر بهاری همدانی از علمای قرن چهاردهم هجری در سال ۱۲۷۷ ق در شهرستان بهار از توابع همدان به دنیا آمد. وی پس از پایان تحصیلات مقدماتی، راهی نجف اشرف شد و نزد ملا حسینقلی همدانی به سطوح بالای علمی دست یافت. شیخ محمدباقر همدانی پس از ۲۰ سال توقف در نجف، به همدان بازگشت و تا پایان عمر در آن شهر زیست. از این عالم برجسته بیش از ۴۰ اثر به جای مانده است که التیان فی حقیقة الایمان، نثار اللباب و حاشیه بر قوانین الاصول و ايضاح الخلط از آن جمله است. شیخ محمد باقر بهاری سرانجام در ۵۶ سالگی دارفانی را وداع گفت و در همدان مدفون شد.

امضای قرارداد منع سلاح‌های میکروبی و شیمیایی (۱۹۲۵م)

براساس معاهده منع استفاده از سلاح‌های میکروبی و شیمیایی که هفدهم ژوئن ۱۹۲۵م در ژنو به امضا رسید، استفاده از هر گونه سلاح میکروبی، گازهای کشنده، سموم شیمیایی و نظائر آن در جنگ ممنوع شد. امضاکندگان این معاهده ۲۹ کشور بودند که بعدها تعدادشان افزایش یافت. از دلایل مهم انعقاد پیمان منع استفاده از سلاح‌های میکروبی و شیمیایی، استفاده گسترده آلمان از سلاح‌های شیمیایی در جریان جنگ اول جهانی بود. با این حال این پیمان تاکنون توسط بسیاری از کشورها نقض شده است. از جمله آمریکا در جریان جنگ ویتنام و رژیم بعث عراق در ایام تجاوز نظامی به ایران. این معاهده را بشدت نقض کردند.